



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۹۱  
مصادف با: ۲۷ ذی‌القعدة ۱۴۳۳  
جلسه: ۵

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه  
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام  
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در توثیقات خاصه بود، عرض کردیم طرق و راه‌هایی برای توثیق خاص ذکر شده است. منظور از توثیق خاص این بود که وثاقت یک راوی مشخص ثابت شود. به دو راه از راه‌های توثیق خاص در جلسه گذشته اشاره کردیم؛ یکی تصریح یکی از معصومین (ع) به وثاقت یک شخص بود و دیگری توثیق علماء رجالی بود که تفصیل آن را بیان کردیم که توثیق متقدمین و متأخرین از علماء رجال چه حکمی دارد و به مبانی مختلفی که در این مسئله وجود دارد اشاره کردیم.

### طریق سوم: ادعای اجماع

سومین طریق از طرق توثیق خاص ادعای اجماع بر وثاقت یک روای است. گاهی بعضی از متقدمین ادعای اجماع بر وثاقت یک راوی می‌کنند مثلاً سید بن طاووس ادعای اجماع بر وثاقت پدر علی بن ابراهیم قمی کرده است. لذا همین که یکی از بزرگان قدامت ادعای اجماع بر وثاقت یک راوی بکند توثیق خاص شمرده می‌شود و برای اثبات وثاقت آن شخص کافی است. البته این توثیق منوط به آن است که معارض نداشته باشد.

در مورد اجماع متأخرین بحث است که آیا اگر در بین متأخرین کسی ادعای اجماع بر وثاقت یک روای کند وثاقت راوی را اثبات می‌کند یا خیر که بعضی معتقدند اجماع مورد ادعای متأخرین هم مثبت وثاقت است چون کاشف از توثیق برخی از قدامت است ولی قدر متیقن این است که اجماع منقول توسط یکی از متقدمین اثبات وثاقت می‌کند.

البته گاهی از اوقات توثیق مستقیم و صریح نیست بلکه الفاظ مدح در مورد شخصی به کار می‌رود که این الفاظ کاشف از حسن ظاهر و وثاقت راوی است مثلاً گفته می‌شود فلانی اهل دقت و ضبط است لذا اگر در مورد کسی الفاظ مدح به کار برده شود الفاظ مدح کاشف از حسن ظاهر و وثاقت آن شخص است. البته این نمی‌تواند طریق مستقلاً برای توثیق خاص محسوب شود به این خاطر که فی الواقع در حکم توثیق یکی از قدامت است یعنی در دائره طریق دوم قرار می‌گیرد لکن در طریق دوم گفتیم توثیق یکی از علماء متقدم یا متأخر وثاقت راوی را اثبات می‌کند حال توثیق گاهی به لفظ صریح است و گاهی به لفظی غیر صریح که کاشف از وثاقت است و به همین خاطر این طریق چهارم را نمی‌توان طریق مستقلاً برای اثبات وثاقت محسوب کرد لذا مجموعه طرق اثبات وثاقت به نحو خاص این سه طریقی است که عرض شد که عبارت بودند از: نص و تصریح یکی از معصومین (ع) به وثاقت راوی، توثیق یکی از علماء متقدم یا متأخر و ادعای

اجماع از ناحیه متقدمین بر وثاقت راوی. در طریق دوم خود شخص، راوی را توثیق می‌کند اما در طریق سوم ناقل توثیق دیگران است لکن ناقلِ اتفاقی است که دیگران بر توثیق آن شخص دارند لذا این طریق با طریق دوم فرق می‌کند.

### **توثیقات عامه:**

منظور از توثیقات عامه طرقی است که به واسطه آن وثاقت جمعی از روات به عنوان یک ضابطه ثابت می‌شود؛ مثلاً قاعده‌ای را ذکر می‌کنند که توثیق جمعی را ثابت می‌کند و منحصر به شخص خاصی نیست مثلاً گفته می‌شود اصحاب الاجماع که این یک عنوانی است که شامل عده‌ای از روات می‌شود و توثیق آنها را ثابت می‌کند. طرق توثیق عام هم مختلف است و ضوابطی که توثیق عام را به دنبال دارد متعدد است.

### **طرق توثیق عام:**

#### **طریق اول:**

اولین عنوان و ضابطه، اصحاب الاجماع است.

عنوان اصحاب الاجماع در بین رجالیون متأخر پیدا شده و در کتب متقدمین از علماء رجال اصلاً چنین تعبیری وجود ندارد. آنچه که در کتب متقدمین وجود دارد الفقهاء من اصحاب الائمة است مثلاً در رجال کشی بخشی تحت عنوان تسمیه فقهاء اصحاب الباقرین (ع) یا تعبیری مثل الفقهاء من اصحاب الصادق (ع) آمده و اصلاً تعبیر به اصحاب الاجماع در کتب رجالی متقدم وجود ندارد. در رجال کشی تعبیراتی که آمده مخصوص کسانی است که احادیث فقهی غالباً به آنها ختم شده مثلاً منظور از الفقهاء من اصحاب الصادق (ع) فقیهانی است که احادیث فقهی امام صادق (ع) به آنها ختم شده است و مسئله به گونه‌ای است که اگر احادیث جماعتی که به عنوان الفقهاء من اصحاب الائمة شناخته شده‌اند کنار گذاشته شود چیزی از فقه باقی نخواهد ماند چون عمده فقه امامیه از این اشخاص اخذ شده و به همین خاطر است که می‌گویند الفقهاء من الاصحاب. تعبیری که در کتاب رجال کشی آمده این است: «اجمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء یا اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء یا اجمع الاصحاب علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء» و متأخرین از علماء رجال لفظ اصحاب اجماع را از این عبارات اصطیاد کرده و بر روات گذاشته‌اند پس اصحاب اجماع یک عنوان اصطیادی است که متأخرین از این تعابیر صید کرده و بر نام روات گذاشته‌اند. لذا اصطلاح اصحاب اجماع اصطلاح جدیدی است که در بین متأخرین از علماء رجال شایع شده و قبلاً نبوده است.

### **ثمرات بحث از اصحاب اجماع:**

بحث از اصحاب اجماع بحث مهمی است و دارای دو ثمره است:

الف) یک ثمره این است که اصلاً شناخت اصحاب اجماع به عنوان یکی از مهم‌ترین ضوابط توثیق عامه لازم است و ما اگر اصحاب اجماع را بشناسیم در واقع وثاقت جمعی برای ما ثابت شده و این خود ثمره‌ای مهم است که وثاقت یک گروه برای ما ثابت شود که هر جا در سلسه سند روایتی باشند سند آن روایت از ناحیه این گروه مشکلی نخواهد داشت.

ب) ثمره دیگری که بر این بحث مترتب می‌شود این است که حاجی نوری می‌گوید هزاران حدیث بنا بر پذیرش وثاقت اصحاب اجماع و بعضی از فروض آن داخل در حریم صحت می‌شوند و اگر کسی اصحاب اجماع را نپذیرد و وثاقت آنها برای او ثابت نشود این احادیث از دایره صحت خارج می‌شوند.<sup>۱</sup>

رجال کشی اصحاب اجماع را در سه بخش بیان کرده است:

بخش اول:

در بخش اول تحت عنوان تسمیة الفقهاء من اصحاب ابی جعفر(ع) و ابی عبدالله(ع) می‌گوید:

«اجمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الاولین من اصحاب ابی جعفر(ع) و ابی عبدالله(ع) و أنقادوا لهم بالفقه، فقالوا: أفقه الأولین ستّة زرارة و معروف بن خرّبوذ و برید و أبوبصیر الاسدی و الفضیل بن یسار و محمد بن مسلم الطّائفی. قالوا: و أفقه الستّة زرارة».<sup>۲</sup> می‌گوید این اشخاص عبارتند از:

زرارة، معروف بن خرّبوذ، برید، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار، محمد بن مسلم، بعد در ادامه می‌گوید فقیه‌ترین این شش نفر زراره است. البته بعضی به جای ابوبصیر اسدی ابوبصیر مرادی را هم گفته‌اند.

بخش دوم:

در بخش دوم تحت عنوان تسمیة الفقهاء من اصحاب ابی عبدالله(ع) می‌گوید:

«أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحّ عن هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون، و اقرّوا لهم بالفقه، من دون أولئك الستة الذین عدّناهم و سمّیناهم، ستّة نفر: جمیل بن درّاج، و عبدالله بن مُسکان، و عبدالله بن بُکیر، و حمّاد بن عیسی، و حمّاد بن عثمان و أبان بن عثمان».<sup>۳</sup> می‌گوید گروه دوم که از اصحاب امام صادق هستند عبارتند از این شش نفر که این گروه هم فقیه بوده ولی درجه علمی این گروه به اندازه شش نفر اول نبوده است و در بین این شش نفر هم جمیل بن دراج از بقیه افقه است.

بخش سوم:

در بخش سوم هم تحت عنوان تسمیة الفقهاء من اصحاب ابی ابراهیم(ع) و ابی الحسن الرضا(ع) می‌گوید:

«اجمع اصحابنا علی تصحیح ما یصحّ عن هؤلاء و تصدیقهم و اقرّوا لهم بالفقه و العلم و هم ستّة نفر آخر دون الستة نفر الذین ذکرناهم فی اصحاب ابی عبدالله(ع)، منهم یونس بن عبد الرحمن و صفوان بن یحیی و محمد بن ابی عمیر و عبدالله بن المغیره و الحسن بن محبوب و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی».<sup>۴</sup> می‌گوید: اصحاب بر تصحیح آنچه که از ناحیه

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۵۷.

۲. رجال کشی، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۳۲۲.

۴. همان، رقم ۱۰۵۰.

این شش نفر به عنوان صحیح وارد شده اجماع دارند و در مورد آنها به فقه و علم اقرار کرده‌اند و یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی افقه از بقیه بوده‌اند. البته بعضی به جای حسن بن محبوب حسن بن علی بن فضال را هم ذکر کرده‌اند. پس اصحاب اجماع طبق نظر مشهور هجده نفرند که در سه گروه شش نفره ذکر شده‌اند.

«والحمد لله رب العالمین»